

علم أصول الفقه

٥١

اوامر ٢٦-١٠-٩٥

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

امر بعد از امر

- امر بعد از امر
- اگر بعد از امر به چیزی دوباره به همان امر شود آیا امر دوم بر تکرار آن عمل دلالت دارد یا بر تاکید امر اول؟

امر بعد از امر

- فصل [الأمر بعد الأمر]
- إذا ورد أمر بشيء بعد الأمر به قبل امثاله فهل يوجب تكرار ذاك الشيء أو تأكيد الأمر الأول و البعث الحاصل به؟

امر بعد از امر

- مرحوم آخوند می فرمایند: ماده و هیأت امر هر یک اقتضایی دارند؛ مثلاً اگر مولا دوبار فرمود: «أعتق رقبة» طبیعت عتق که ماده امر است، تأکید را اقتضا می کند؛

امر بعد از امر

- قضية إطلاق المادة هو التأكيد فإن الطلب تأسيساً لا يكاد يتعلق بطبيعة واحدة مرتين من دون أن يجيء تقييد لها في البين و لو كان بمثل مرة أخرى كي يكون متعلق كل منهما غير متعلق الآخر كما لا يخفى

امر بعد از امر

• می چون که ماده امر دلالت بر طبیعت می کند و وقتی که مولا می گوید: «صل» یعنی طبیعت صلاة برای مولا مطلوبیت دارد و مولا می خواهد این ماده تحقق پیدا کند. بار دیگر اگر قبل از اینکه عبد صلاة را اتیان کند، گفت: «صل» مقتضای ماده صلاة این است که همچنان طبیعت صلاة مطلوب مولا است و این طبیعت تکرر پیدا نمی کند؛ یعنی همان طبیعت که در امر اول مطلوب مولا بود، همان طبیعت هنوز مطلوب مولا است. اگر عبد بعد از این امر دوم یک بار آن طبیعت مطلوب مولا را اتیان کند، به هردو امر تحقق بخشیده است. این یعنی امر دوم تأکید امر اول است.

امر بعد از امر

- و المنساق من إطلاق الهيئة و إن كان هو تأسيس الطلب لا تأكيده إلا أن الظاهر هو انسباق التأكيد عنها فيما كانت مسبوقه بمثلها و لم يذكر هناك سبب أو ذكر سبب واحد.

امر بعد از امر

- اما هیأت امر چیز دیگری را اقتضا می‌کند. وقتی مولا بار اول می‌گوید «صل» مفاد هیأت امر که بر طلب و بعث دلالت می‌کند، این است که مولا عبد را به سمت ایجاد طبیعت صلاة بر می‌انگیزد یا به تعبیر دیگر طلب خودش را نسبت به این طبیعت ابراز می‌کند.
- به زبان ساده می‌خواهد بگوید این طبیعت مطلوب من است و باید تحقق پیدا کند.

امر بعد از امر

- حال وقتی بار دیگر گفت صل، مقتضای هیأت امر این است که مولا دوباره، عبد را برای تحقق طبیعت بر می‌انگیزد. لازمة تکرار این است که این یک بعث تازه و یک برانگیختن جدید است.
- در حقیقت یک بار به امر اول عبد را برانگیخته و این تکلیف را بر عهده وی گذاشته است و بار دیگر به امر دوم او را برانگیخته و این تکلیف را دوباره بر عهده‌اش گذاشته است. بنابراین عبد باید دوبار طبیعت را اتیان کند. پس بین مقتضای ماده امر و مقتضای هیأت امر یک نوع تنافی در اینجا هست. ماده تأکید را اقتضا می‌کند و بعث تأسیس را و تأکید و تأسیس با هم جمع نمی‌شوند.

امر بعد از امر

- مرحوم آخوند با اینکه قبول دارد مقتضای ماده تأکید و مقتضای هیأت تأسیس است، می‌فرماید در فرض مسأله ما امر در تأکید ظهور دارد؛ زیرا در جایی که قبل از امر، امر دیگری هست. این امر دوم در تأکید ظهور پیدا می‌کند.

امر بعد از امر

- این دلیل که ایشان ذکر می‌کنند، در واقع عین مدعا است. ادعا این است که امر بعد از امر در تأکید ظهور دارد.
- دلیلش چیست؟ دلیلش این است که امر بعد از امر ظهور در تأکید دارد!
- خیلی از اصولیون به تبع مرحوم آخوند گفته‌اند هیأت تأسیس را اقتضا می‌کند و ماده تأکید را.
- و این دو اقتضا با هم تنافی دارند و بحث کرده‌اند که یکی بر دیگری تقدم دارد یا ندارد.

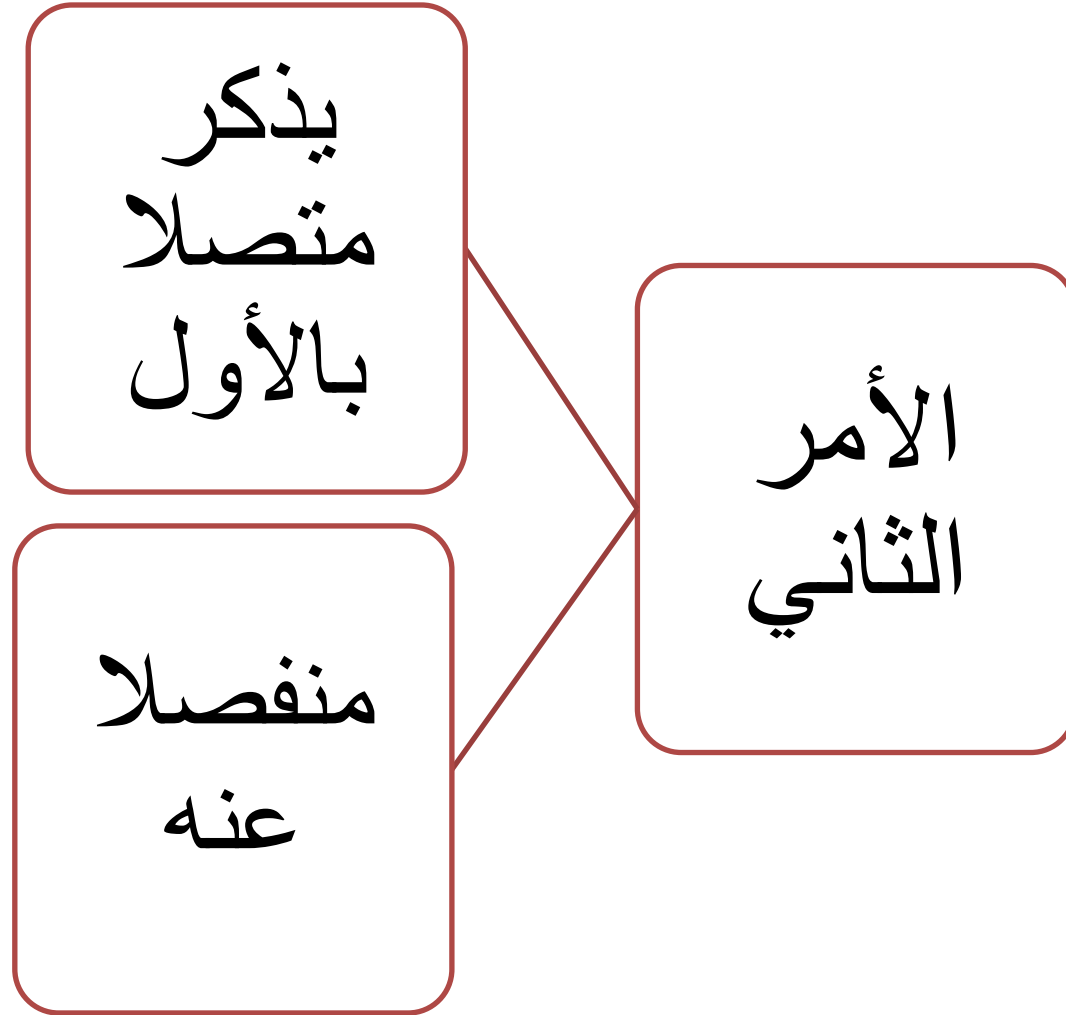
امر بعد از امر

- «الأمر بعد الأمر»
- إذا كرر الأمر بشيء بلا شرط أو مع وحدة الشرط فهل يحمل على التأكيد فلا يثبت إلا وجوب واحد أو على التأسيس فهناك وجوبان؟
- ذهب صاحب الكفاية (قده) إلى أنه يقع التعارض بين ظهور الصيغة في التأسيسية مع إطلاق المادة المقتضى لكون المتعلق للأمرين واحداً فان الطبيعة لا تتحمل إلا طلباً واحداً.
- وقد حكم بالتأكيد نتيجة من جهة إجمال ظهور الهيئة باعتبار اقترانها بال تكرار الصالح للقرينية على التأكيد فتكون جملة من هذه الناحية فلا يثبت وجود أمر آخر.

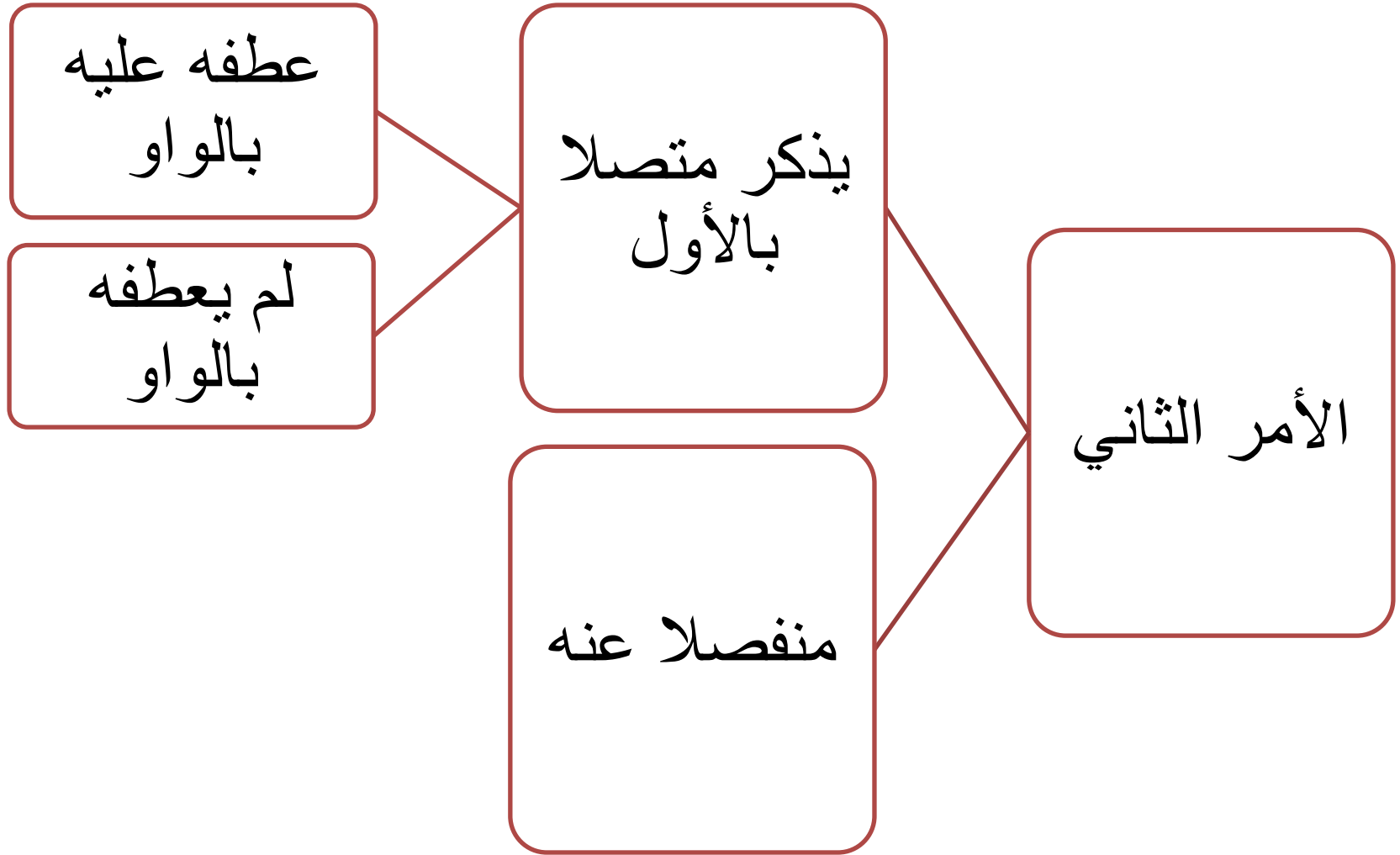
امر بعد از امر

- أقول: التحقيق ان هيئة الأمر لا تدل إلا على الوجوب، و اما التأسيسية أو التأكيدية فليس شيء منهما مدلولاً لها إذ لم توضع الهيئة لطلب لم يكشف عنه بكاشف أسبق و لذلك لم يكن استعمالاً مجازياً إذا أمر عبده بما كان قد أمره به سابقاً لأجل التأكيد.
- نعم هنالك دلالة سياقية حالية قد تقتضى التأسيسية فى الكلام لو جاء المتكلم بجملة أخرى صالحة لإفادة معنى جديد كما تصلح لتأكيد المعنى السابق فقد يدعى حملها على إفادة المعنى الجديد ليكون تأسيساً.

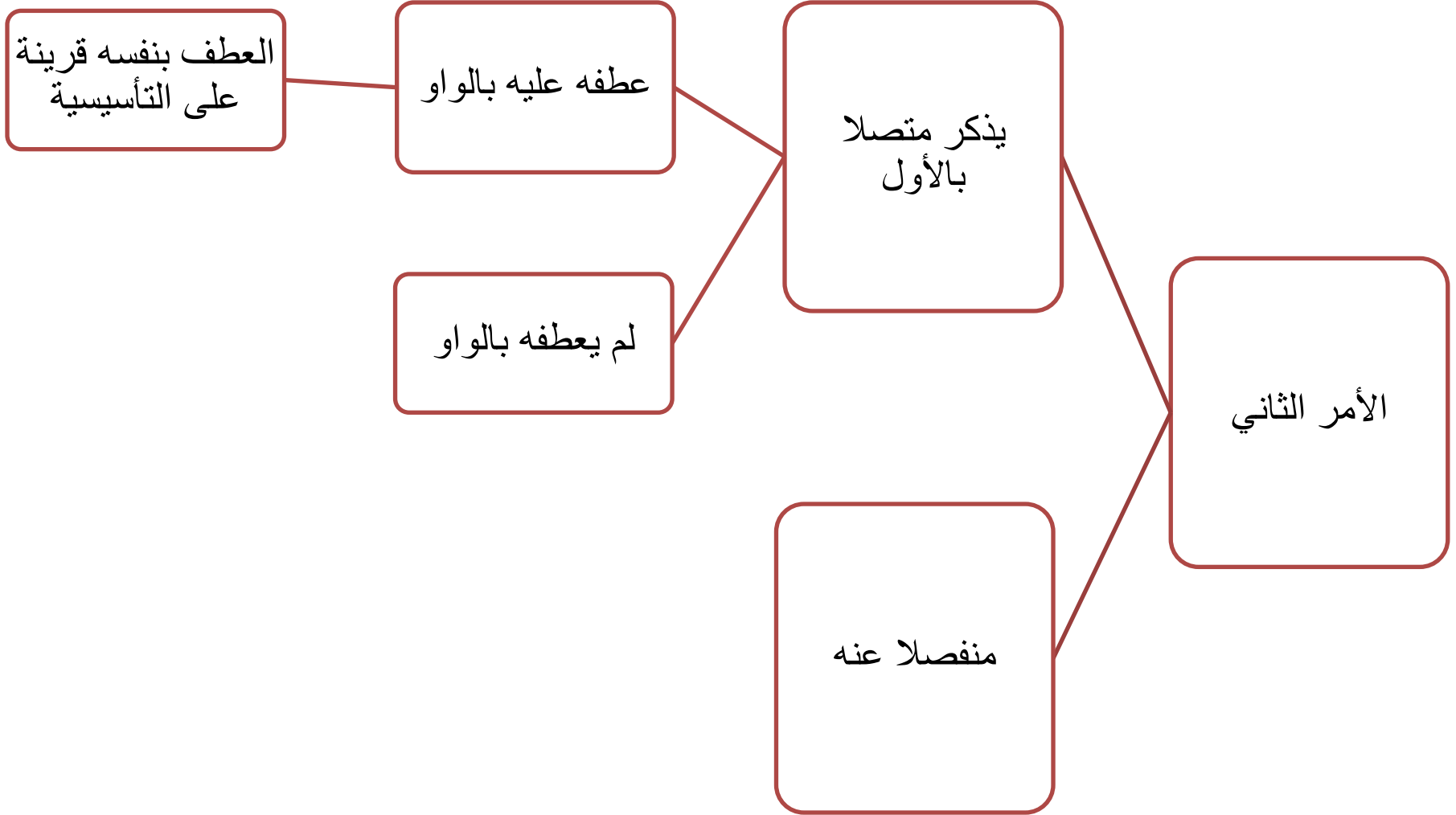
امر بعد از امر



امر بعد از امر



امر بعد از امر



امر بعد از امر

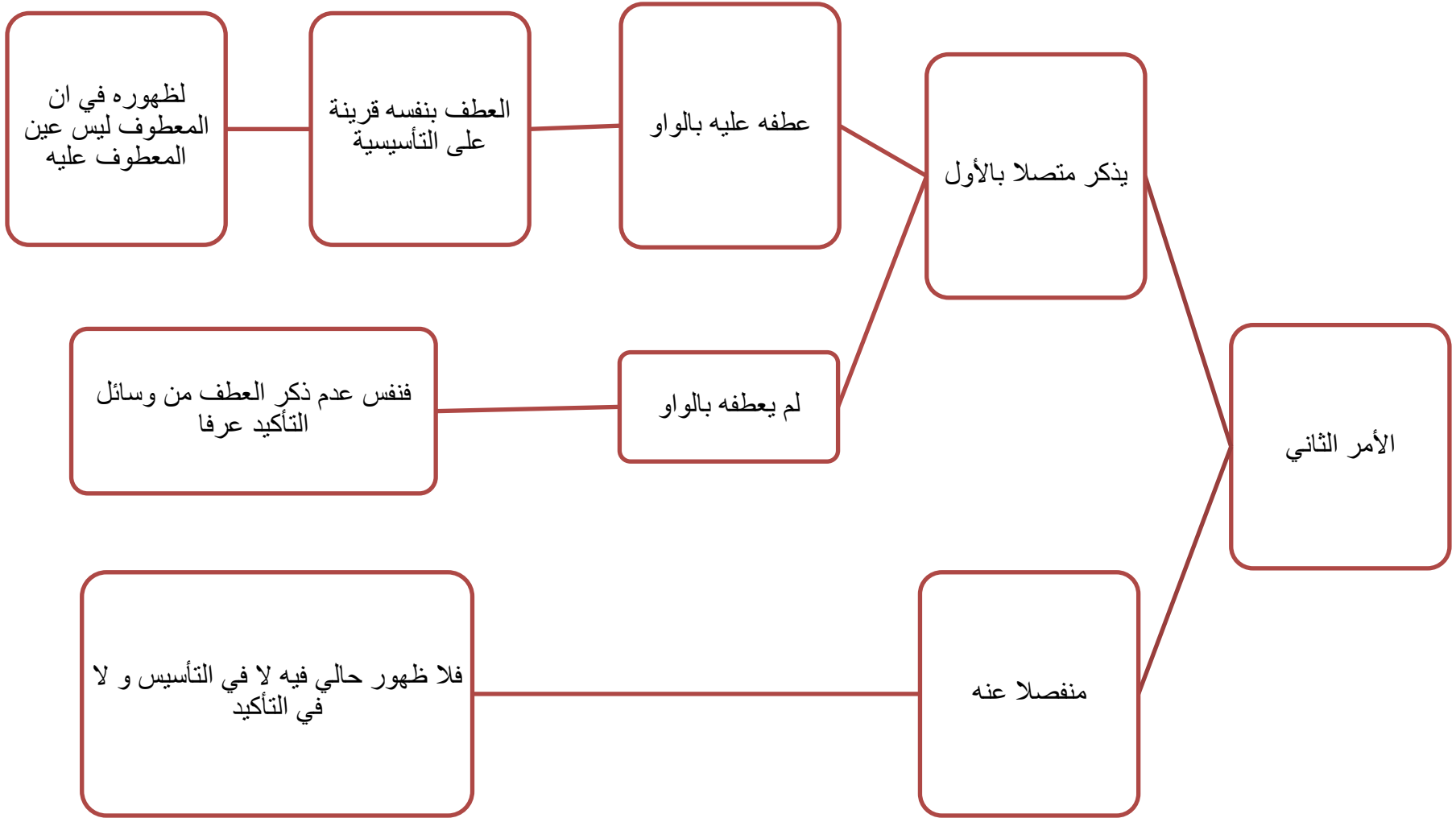


الأمر الثاني

منفصلا عنه

فلا ظهور
حالي فيه لا
في التأسيس و
لا في التأكيد

امر بعد از امر



امر بعد از امر

- إلا أن هذا البيان لا يمكن تطبيقه في المقام إذ الأمر الثاني أما أن يذكر متصلاً بالأول أو منفصلاً عنه فان ذكر متصلاً به بحيث يمكن عطفه عليه بالواو فان عطفه عليه بالواو كان العطف بنفسه قرينة على التأسيسية لظهوره في ان المعطوف ليس عين المعطوف عليه و إلا فنفس عدم ذكر العطف من وسائل التأكيد عرفاً فيكون ظاهراً فيه.
- و اما إن ذكر منفصلاً فلا ظهور حالي فيه لا في التأسيس و لا في التأكيد إذ الحالة السياقية تقتضى التأسيسية بلحاظ شخص ذلك الخطاب و اما تكرار الطلب بشخص خطاب آخر فليس ذلك منافياً مع التأسيسية بلحاظ شخص الخطاب الثاني.

امر بعد از امر

- فقد تحصل انه لا يوجد ظهور في مدلول الهيئة يقتضى التأسيسية فيكون مقتضى إطلاق المادة هو التأكيد لا محالة.
- (١) - كفاية الأصول، ج ١، ص ٢٣١.

امر بعد از امر

- مرحوم صدر می فرماید مفاد ماده، طبیعت است و طبیعت یا به تعبیر فلسفی صرف الشیء، خودش تکرر ندارد، ذات طبیعت یکی است؛ البته مصادیق آن طبیعت صرف نیستند و مکرر و متعدد می شوند.
- طبیعت صلاة یک چیز است؛ هر چند مصادیق متعدد داشته باشد. بنابراین از آنجا که ماده در امر دوم، همان ماده امر اول است و طبیعت تکرر ندارد، بنابراین امر دوم تأکید را اقتضا می کند.

امر بعد از امر

- ظاهر سخن مرحوم آخوند این است که متبادر از هیأت امر تأسیس است؛ یعنی گویا که تأسیس موضوع له امر است.

امر بعد از امر

- مرحوم آقای صدر می‌فرمایند هیأت امر ظهوری در تأسیس ندارد. به همین دلیل اگر در جایی برای تأکید به کار برود هیچ مجازیتی و هیچ خلاف ظاهری نیست. ذات هیأت نه در تأکید ظهور دارد و نه در تأسیس. مفاد هیأت تنها بعث و برانگیختن مأمور به سمت مأمور به است.

امر بعد از امر

- البته یک نوع ظهور در تأسیس در اینجا وجود دارد که منشأ آن هیأت نیست، بلکه سیاق است؛ یعنی یک نوع قرینة سیاقیه بر تأسیس وجود دارد؛ زیرا «زیادة المبانی تدل علی زیادة المعانی».

امر بعد از امر

- وقتی یک متکلمی صحبت می‌کند و الفاظ تازه‌ای را در کلام خودش به کار می‌برد، به دلیل کاربرد الفاظ جدید، در نگاه ابتدائی سیاق اقتضا می‌کند که این‌ها محتوای تازه‌ای را بیان کنند نه اینکه همان محتوای قبلی را تکرار کنند. همین که امر مجددی صادر می‌شود، اقتضا می‌کند که یک تأسیسی در میان باشد و مولا می‌خواهد یک معنای تازه‌ای را افاده کند.

امر بعد از امر

- این بحثی که ایشان مطرح می‌کند اختصاص به صیغه امر ندارد و یک بحث کلی در حوزه الفاظ است و از باب تطبیق کلی بر فرد می‌خواهد بگوید صیغه امر هم در تأسیس ظهور دارد اما این ظهورش موضوع له صیغه نیست، بلکه ظهور سیاقی است.

امر بعد از امر

- ایشان در ادامه می‌فرمایند تکرار امر بعد از امر به دو شکل متصور است: شکل اول اینکه دو امر متصل به هم باشند و پشت سر هم ذکر شوند. شکل دوم اینکه دو امر منفصل از هم باشند و جداگانه ذکر شوند.

امر بعد از امر

- آنجا که متصل به هم هستند، دو شکل وجود دارد: گاهی متکلم در مقام بیان این دو امر از عطف استفاده می‌کند و می‌گوید: «صل و صل». زمانی هم از هیچ عطفی استفاده نمی‌کند و می‌گوید: «صل، صل». آنجا که عاطفی ذکر می‌کند، خود عطف ظهور دارد در اینکه آن معطوف غیر از معطوف علیه است. بنابراین این عطف، آن ظهور سیاقی را تأکید می‌کند به تعبیری آن تأسیس را آشکارتر می‌کند.
- اما اگر متصل به هم بودند و بدون عاطف، آن ظهور سیاقی در تأسیس از بین می‌رود و فقط ظهور ماده در تأکید باقی می‌ماند. در نتیجه این امر دوم ظاهر در تأکید خواهد بود.

امر بعد از امر

- اگر این دو امر از هم جدا بودند، اینجا هم از امر بعد از امر انفصالی تأکید فهمیده می‌شود؛ مثلاً فرض کنید یک معلمی گفت: ده روز دیگر شما باید فلان کار را انجام دهید. چند روز گذشت هنوز زمان انجام کار نرسیده است. بچه‌ها هم کار را انجام نداده‌اند. آن معلم گفت فلان کار را باید انجام بدهید و مقصوش همان کار قبلی است. ماده اقتضای تأکید دارد و هیأت نه اقتضای تأکید دارد و نه تأسیس. یک سیاق می‌ماند که اگر وجود داشته باشد و شکسته نشده باشد، هیأت در تأسیس ظهور پیدا می‌کند و وجود امر مماثل قبل از این امر باعث می‌شود که این ظهور سیاقی شکسته شود.

امر بعد از امر

- در نتیجه آقای صدر - رضوان الله عليه - هم تقریباً به سخن مرحوم آخوند منتهی می شود؛ یعنی در جایی که امر بعد از امر قرار می گیرد، امر دوم در تأکید ظهور دارد و فقط یک مورد را استثنا می کند که آن در جایی است که دو امر با عطف به یکدیگر مرتبط شده باشند.

امر بعد از امر

- بیان این دو بزرگوار یک تفاوت کوچکی دارد که همین تفاوت کوچک باعث می شود بیان مرحوم آخوند مصادره به مطلوب تلقی شود اما بیان مرحوم صدر مصادره به مطلوب نباشد.

امر بعد از امر

- مرحوم آخوند فرمود هیأت اقتضای تأسیس دارد و ماده اقتضای تأکید دارد، بعد فرمود در جایی که امر بعد از امر است در تأکید ظهور دارد. چرا؟ زیرا امر بعد از امر در تأکید ظهور دارد! این مقدار بیان مصادره به مطلوب می شود.
- اما شهید صدر - رضوان الله علیه - فرمود ماده اقتضا تأکید دارد و هیأت لاقتضا است؛ البته یک سیاق وجود دارد که تأسیس را می فهماند. اگر سیاق نبود، امر در تأکید ظهور پیدا می کرد. این سیاق در مواردی که امر مسبوق به امر دیگر است، شکسته می شود.

امر بعد از امر

- . كفاية الأصول، ص ١٤٥.

امر بعد از امر

- . بحوث في علم الأصول، ج ٢، ص ٣٨٣.
- . كفاية الأصول، ص ١٤٥.

امر بعد از امر

• البته شهید صدر - رضوان الله علیه - این طور تعبیر نکرده‌اند و من تعبیر به قرینه سیاقیه می‌کنم.

• بحوث فی علم الأصول، ج ۲، ص ۳۸۳ - ۳۸۴.

• در بحث مفهوم وصف وقتی متکلم قیودی را به عنوان صفت برای موصوفی ذکر می‌کند، سؤال می‌شود آیا این وصف در توضیحی بودن ظهور دارد یا ظهور در تقییدی بودن؛ یعنی این خصوصیتی است که در موصوف به صورت عمومی وجود دارد و صرفاً متکلم به عنوان یک توضیح اضافه و تکرار همان معنا مذکور ذکر می‌کند یا نه می‌خواهد یک چیزی را از دائرة موصوف خارج کند. در آیه «رَبَائِبِكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ»: دختران زنان شما (دخترانی که از ازدواج قبلی همسران متولد شده‌اند) که در خانه‌های تان هستند (النساء، ۲۳). «فی حجورکم» قید برای ربائب است؛ یعنی آیا این قید، قید احترازی است؟ یعنی می‌خواهد بگوید دو نوع ربیبه هست: یکی ربیبه ای که با مادرش به خانه شما می‌آیند و دیگری ربیبه ای که به خانه شما نمی‌آیند و خانه مستقل دارند یا با پدرشان زندگی می‌کنند. قرآن می‌خواهد بگوید فقط قسم اول محرم‌اند. اما آن‌ها که نمی‌آیند، آن‌ها دیگر محرم نیستند. ظاهر اولی «فی حجورکم» احتراز است - البته در فقه گفته‌اند که این «فی حجورکم» در اینجا احترازی نیست؛ هرچند خلاف ظاهر است - این ظهور در احترازی ناشی از موضوع له کلمه «فی» یا «حجورکم» یا «اللاتی» نیست، ظهور بلکه از این سیاق استفاده می‌شود؛ یعنی اگر خداوند - تبارک و تعالی - می‌خواهد بگوید ربیبه محرم است، می‌گوید: ربائبکم و دیگر چه لزومی بر بیان فی حجورکم است؛ چون چه در خانه باشد و چه نباشد اثری در حکم ندارد. پس اینکه قید آورده است، به نظر می‌رسد یک خصوصیتی را در مقید اراده کرده است و می‌خواسته یک معنای اضافی را بیان کند. از آنجا که این ظهور، سیاقی است مثل وضع نمی‌ماند؛ زیرا اگر لفظ برای معنایی وضع شده باشد، طبیعت اولیة لفظ اقتضا می‌کند که در موضوع له خودش به کار رود. اگر بعد بخواهد در غیر موضوع له به کار رود، مؤونه دارد. اما اگر مستند این ظهور وضع نباشد، بلکه یک سیاق باشد، سیاق ممکن است شکسته شود؛ مثلاً در همین ربائب نکته‌ای که فقها برای شکستن سیاق ذکر می‌کنند، این است که معمولاً این ربیبه‌ها به خانه شوهر مادر می‌آیند و از باب غالب این «فی حجورکم» ذکر شده است. پس یعنی آن سیاق را می‌شکند و نمی‌توان بر اساس آن استظهار کرد.

• اگر اوامر عرفی را هم بررسی کنیم، تأیید این معنا را درخواست می‌یافت؛ برای مثال معلم به شاگرد می‌گوید: «تکلیف را انجام ده، تکلیف را انجام ده». پر واضح است که این امر دومی تأکید همان امر اول است و معلم دوبار انجام تکلیف را نخواست است.

• بحوث فی علم الأصول، ج ۲، ص ۳۸۴.